

یه طبقا شهر شاخصها و مواضع

پیرسانسو

ترجمه ناصر فکوهی - با همکاری زهره دودانگه

Sansot, Pierre, 1928-

سانسو، پیر، ۱۹۲۸-م.
بوطیقای شهر/ پیرسانسو: ترجمه ناصر فکوهی، با همکاری زهره دودانگه.
مشهد: کتابکده کسری؛ تهران: انتشارات انسان شناسی، ۱۳۹۹.

۱۰-۷-۶۹۶۳-۶۲۲-۹۷۸: دوره؛ ۱-۹-۶۹۶۳-۶۲۲-۹۷۸: ج. ۱

Poétique de la ville, 1996.

Cities and towns

HT151

۳۰۷/۷۶

۶۰۹۸۵۵۲

شایک: ۱۲۸ ص.

فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی:

ج. ۱. شاخص ها و مواضع

موضوع: شهرها و شهرستان ها

شناسه افزوده: فکوهی، ناصر، ۱۳۳۵ - مترجم

شناسه افزوده: دودانگه، زهره، ۱۳۶۵ - مترجم

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:



کسری - نشر تخصصی هنر، معماری و شهرسازی کسری

بوطیقای شهر

مباحث ها و مواضع

پیرسانسو

ترجمه ناصر فکوهی

(استاد انسان شناسی دانشگاه تهران - مدیر مؤسسه انسان شناسی و فرهنگ)
با همکاری زهره دودانگه

صفحه آرایشی و طرح جلد: منوچهر سمکا

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۰۹-۱

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۶۳-۱۰-۷

انتشارات: کتابکده کسری

نشانی: مشهد فلسطین ۱۴ پلاک ۱۰ تلفن: ۳۷۶۷۰۰۱۹ ۰۵۱

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.kasrapublishing.ir

با همکاری انتشارات انسان شناسی

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات کتابکده کسری محفوظ است. هرگونه تصویربرداری و تکثیر اعم از نسخه کاغذی و دیجیتال و... از تمام یا بخشی از این کتاب ممنوع و موجب پیگرد قانونی است.

پیشگفتار مترجم

پیرسانس و^۱ (۱۹۲۸-۲۰۰۵) یکی از درخشان‌ترین چهره‌های فکری فرانسه در نیمهٔ دوم قرن بیستم به شمار می‌آید که در ایران ناشناس باقی مانده است و کتاب حاضر نخستین اثر اوست که به فارسی منتشر می‌شود. جایگاه سانسو، اما، در زبان و پهنه فکری فرانسوی زبان و حتی در کشورهای انگلیسی زبان بسیار ویژه و شاید بتوان گفت استثنایی است. این نکته را به خصوص درمیان فرانسه و دست‌کم در دو حوزه فکری و دانشگاهی یکی خُرده جامعه‌شناسی^۲ و یکی در شهرشناسی^۳ می‌توان با جرأت عنوان کرد. سانسو با نثر و ساختار زبانی بسیار ساده و شفاف و همان حال، ژرف و پربار اندیشه‌هایی ظریف، به میراث فرهنگی فرانسه افزوده است. اما و را نیز همچون بسیاری دیگر از اندیشمندان فرانسوی معاصرش نمی‌توان به سادگی طبقه‌بندی کرد؛ سانسو را می‌توان جامعه‌شناس، فیلسوف، شهرشناس، انسان‌شناس و بی‌شک یک نویسنده ادبی دانست.

سیر زندگی وی از کودکی تا دوران نوجوانی و سپس ورودش به عرصه علمی در خود نکته‌ای خاص ندارد و بسیار متعارف بوده است؛ از تحصیل در فلسفه و علوم اجتماعی تا تدریس در دانشگاه‌های گرنوبل و مونپلیه. البته این نکته اساسی است که وی از همان دوره دانشگاهی، برجستگی فکری خود را در زمینه فلسفی نشان داد، اما فلسفه به طور خاص و تخصصی پهنه‌ای نبود که برای وی جذابیت داشته باشد. در حقیقت از همان ابتدا، سانسو در خطی پدیدارشناسانه قرار گرفت که انتهای منطقی‌اش خُرده جامعه‌شناسی، آن هم در قالب‌هایی اغلب ادبی بود. آنچه برای وی همیشه وسوسه‌برانگیز بود، نگاه عمیق به زندگی، به انسان‌ها و از همه بیشتر به انسان‌هایی که کوچک و حاشیه‌ای تصور می‌شوند، بود. همه آدم‌ها و حتی همه چیزهایی که بسیاری از متفکران دیگر چندان آن‌ها را قابل تأمل نمی‌دانستند و عموماً با طبقه‌بندی کردنشان در قالب‌هایی کلیشه‌ای از پرداختن به جزئیات زندگی و روابط آن‌ها پرهیز می‌کردند، برای سانسو جذابیت داشتند.

در کتاب «آنچه بازمی ماند»^۱ به مفهوم «بازماندگی» می پردازد: چیزهایی مثل خُرده نان ها و غذاهایی که بر سفره باقی مانده اند و گویی این «بازماندن» از آن ها «پس مانده هایی» بی اهمیت بسازد در حالی که سانسو با بازگشت به آن ها ارزششان را برای ما روشن می کند. در کتابی که پس از درگذشت او با عنوان «حاشیه نشینی شهری»^۲ منتشر شد، همین مضمون را درباره انسان هایی که شهر آن ها را همچون «پس مانده هایی» از خود بیرون رانده یا به آن ها اجازه ورود به خود را نمی دهد، می پروراند. سانسو در ۲۴ کتابی که از وی تاکنون منتشر شده، به جز تنها رمانی که دارد، بارها این مضمون را تکرار کرده است: در «شکل های محسوس زندگی اجتماعی»^۳ به خُرده جامعه شناسی که شاید بتوان گئورگ زیمل^۴ جامعه شناس آلمانی و مارسل موس^۵ انسان شناس فرانسوی را در ابتدای قرن بیستم بنیانگذاران آن دانست می پردازد: به این نکته اساسی که زندگی اجتماعی بیش و پیش از آنکه در ساختارهای کلان، مطرح و قابل مشاهده درک و تحلیل باشد، در روابط خُرده در کنش های کوچک و به ظاهر کم اهمیت اما پرمعنی و اغلب پرتاثیر خود را نشان می دهد. همین مضمون را سانسو در «دفترهای کودکی»^۶ درباره دوران خاصی از زندگی که سرآغازی است بر ورود به جامعه به معنای کلان و ساختاری آن ادامه می دهد. وقتی به ورزش مردمی «آگبی»^۷ می پردازد یعنی در کتاب «راگی، یک جشن است»^۸ می توان رگه هایی روشن از شادانی^۹ دید و همزیستی دگردوستانه ای را که آلبر کامو^{۱۰}، در تاریخ ادبیات قرن بیستم آن را به برج خود سازد، است، بازایبیم. همین توجه به انسان هایی فراموش شده در جامعه مدرنی به دست بی رحم را در کتاب هایی دیگر وی به ویژه در «فروستان»^{۱۱} و در «پیرها نباید هرگز بمیرند»^{۱۲} موضوع کار خود قرار می دهد. نگاه انسانی او را در سویه های شاعرانه، فلسفی^{۱۳} و انسان شناسانه سانسو بر گروهی از حرکات و کنش ها و میان کنش های اجتماعی نیز می بینیم. این مضمون در «درباره استفاده مناسب از کُند بودن»^{۱۴} یا در «ذوق گفتگو»^{۱۵}.

1- Ce qu'il reste, Payot, 2005.

2- La marginalité urbaine, Payot, 2017.

3- Les Formes sociales de la vie sociale, 1986. Presses Universitaires de France.

4- Georg Simmel (1857-1918).

5- Marcel Mauss (1872-1950).

6- Cahiers d'enfance, Champ Vallon, 1989.

7- Le Rugby est une fête, Plon, 1991.

8- Albert Camus (1913-1960).

9- Les Gens de peu, PUF, 1992.

10- Les Vieux ça ne devrait jamais devenir vieux, Payot, 1995.

11- Du bon usage de la lenteur, Payot, 1998.

12- Le Goût de la conversation, De Brouwer, 2003.